



نقد سندل به راولز، درون گفتمانی است/ نقد لیبرالیسم به لیبرالیسم

نقد سندل به راولز یا کلیت نظام لیبرال درمقوله عدالت اگر چه ممکن است در ظاهر شباهت‌هایی به نقدهای چپ‌گرایان داشته باشد اما در واقع نقدی درون‌گفتمانی است برای نجات لیبرالیسم از تنگنای موجود.

نقد سندل به راولز یا کلیت نظام لیبرال درمقوله عدالت اگر چه ممکن است در ظاهر شباهت‌هایی به نقدهای چپ‌گرایان داشته باشد اما در واقع نقدی درون‌گفتمانی است برای نجات لیبرالیسم از تنگنای موجود.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر یادداشتی است که فاطمه شریفیان، پژوهشگر فلسفه سیاسی، به مناسبت انتشار چاپ دوم کتاب «جان راولز از نگاه مایکل سندل» نگاشته است؛

انتشارات دانشگاه مفید چاپ دوم کتاب «جان راولز از نگاه مایکل سندل» نوشته یوسف شاقول و اکرم نوری زاده را در ۵۰۳ صفحه و بهای ۶۵ هزار تومان منتشر کرد. چاپ نخست این کتاب زمستان ۱۳۹۷ با شمارگان ۳۰۰ نسخه و بهای ۶۵ هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفته بود. آنها در مقدمه شان بر این کتاب نوشته اند «هدف اصلی کتاب حاضر این است که مهمترین اندیشه های سندل و نیز موضع انتقادی او را در برابر اندیشه های راولز تبیین نمایند.»

«مایکل جی. سندل» استاد دانشگاه هاروارد در رشته دولت و فلسفه سیاسی، از برجسته ترین صاحب نظران در زمینه فلسفه سیاسی معاصر غرب و از چهره های مطرح در مکتب جماعت گرایی است. او در بخشی از دوران دانشجویی خود، شاگرد «چارلز تیلور» دیگر اندیشمند جماعت گرا بود. شهرت و اهمیت سندل بیش از هر چیز برخاسته از کتاب اثرگذارش با عنوان «لیبرالیسم و محدودیت های عدالت» است که در ۱۹۸۲ در نقد اندیشه و آرای «جان راولز» دیگر فیلسوف سیاسی معاصر آمریکایی نوشته شد و از همان هنگام، سربرآوردن یکی از منتقدان مهم لیبرالیسم در آمریکا را نوید داد.

مایکل سندل

مخاطب ایرانی احتمالاً با «جان راولز» بیش از «مایکل سندل» آشناست؛ مناقشاتی که در ایران بر سر خوانش های جدید از عدالت صورت گرفت، بیشتر از هر فیلسوف دیگری که درباره عدالت قلم زده، نام راولز را بر سر زبان ها انداخت، این مناقشات تا مدتها میان چهره های فکری ایرانی وجود داشت و بخش مهمی از آن هم به فضای ژورنالیستی راه یافت و بدین ترتیب جان راولز را به چهره ای تقریباً شناخته شده در ایران تبدیل کرد.

از سوی دیگر، اگر چه از هر دوی این شخصیت ها کتابهای مهمی به فارسی ترجمه شده است، اما راولز به عنوان چهره ای که نظریه اش در باب عدالت خیلی زود در سراسر جهان به مباحثات نظری بسیاری دامن زد، در ایران هم مورد توجه موافقان و مخالفان او قرار گرفت، اما سندل از این نظر جنجال کمتری به پا کرده و به همین دلیل هم کمتر از راولز مورد توجه قرار گرفته است.

کتاب مهم و محوری جان راولز با عنوان «نظریه ای در باب عدالت» مدتهاست به فارسی ترجمه شده و در کنار این دو منبع اصلی، بسیاری از مراجع تشریحی مکتوب هم به فارسی وجود دارد که به شرح و نقد نظریات این فیلسوف برجسته در خصوص عدالت پرداخته است. در خصوص آثار سندل اما، تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، غیر از کتاب محوری و اصلی مایکل سندل که عنوانش در بالا آمد، چند کتاب دیگر از او هم به فارسی ترجمه و منتشر شده است که «آنچه با پول نمی توان خرید؟»، «عدالت؛ چه باید کرد؟»، «اخلاق در سیاست» و «انسان بی نقص» از جمله آنها است. به هر ترتیب باید پذیرفت که مایکل سندل با همه اهمیت و نفوذش در غرب، در ایران جزو فیلسوفان مهجور بوده و کمتر به اندیشه هایش رجوع شده است.

آنچه بهانه ای شد تا در اینجا به پیوند و ارتباط راولز و سندل نگاهی بیاندازیم، کتابی است که اخیراً در ایران تألیف و منتشر شده که محور اصلی آن واکنشی است که مایکل سندل به نظریات جان راولز درباره عدالت دارد. این کتاب به قلم «یوسف شاقول» و «اکرم نوری زاده» نگاشته شده است و انتشارات دانشگاه مفید قم آن را منتشر کرده است. عنوان کتاب چنین است: «جان راولز از نگاه مایکل سندل».

محور اصلی این کتاب مربوط به نقدهای اساسی سندل به نظریه عدالت راولز است و ما برای معرفی بهتر این اثر نگاهی به اندیشه های این دو متفکر بزرگ فلسفه سیاسی در دوران معاصر، کیفیت نقدهای سندل به راولز و نوع پرداخت کتاب «جان راولز از نگاه مایکل سندل» خواهیم پرداخت. کتابی که محتوای آن از رساله دکتری «اکرم نوری زاده» اخذ شده و حالا در قالب کتابی حجیم (بیش از ۵۰۰ صفحه) در اختیار علاقه مندان فارسی زبان به فلسفه سیاسی قرار گرفته است.

«سندل» جماعت گرا در مقام منتقد «راولز» لیبرال

سندل از منتقدان جدی راولز است و در طول مدتی که درباره عدالت اندیشیده و قلم زده است، همواره نیم نگاهی به آثار و نظریات راولز داشته است. سندل در این انتقادات عموماً از موضع یک اندیشمند جماعت گرا به آرای جان راولز پرداخته است؛ موضعی که به صراحت می توان گفت منطقی وسیع تر از آنچه لیبرالیسم خود را به آن محدود کرده، دارد. در جماعت گرایی منطقی وسیع تر، کلی تر و با جزئیات بیشتری نسبت به انسان، جامعه و مناسبات انسانی-اخلاقی موجود در دل جامعه اتخاذ می شود، اما باید به یاد داشت که اتخاذ چنین رویکردی (جماعت گرایی) به معنای خروج از پارادایم و گفتمان لیبرال نیست؛ یعنی نگاه جماعت گرایان به مسئله عدالت، با وجود همه چالش ها و مناقشاتی که با رویکرد لیبرال داشته و دارد، اما به طور کلی آنها را هم باید در درون گفتمان و پارادایم لیبرالیسم فهمید، نه بیرون از آن.

بدین وجه نقد سندل به راولز یا کلیت نظام لیبرال، اگر چه ممکن است در ظاهر شباهت هایی به نقدهای چپ گرایان و مارکسیست ها داشته باشد، ولی این صرفاً ظاهر امر است و ظواهر نباید خواننده هوشیار را فریب دهد؛ به این اعتبار می توان گفت نقد سندل به راولز تا حد زیادی یک نقد درون گفتمانی است و در اعماق این نقدها، بیشتر تلاش می شود که راه هایی برای نجات لیبرالیسم واقعاً موجود، از یکسویگری ها و تنگ نظری ها یافته شود. همچنین این تلاش ها بیشتر به مثابه راه هایی در نظر گرفته می شود که از نظر لیبرال ها باید با طی کردن آن ها به تکمیل پروسه ای پرداخت که در روند تاریخی اش، مدام محتاج تکمیل تر شدن و به روزرسانی شدن است. ذکر این نکته برای فهم نسبت راولز و سندل و نقدهای دومی بر اولی امری اساسی به نظر می رسد.